

مبانی نظری الگوی مصرف و نقش آن در توسعه اقتصادی کشور

محمد علی سیفی و خدایار علایی کارشناسان اداره مدیریت ریسک

قسمت دوم



نظریه‌های مصرف بعد از کینز

طبق مطالعات مخصوصی به نام "مطالعات بودجه" که در سال ۱۹۷۵ انجام گردید، نظریه کینز مورد پذیرش واقع شده است. بر اساس این نظریه، با افزایش درآمد واقعی، مصرف واقعی نیز بالا می‌رود؛ ولی در هر نقطه روی تابع مصرف کوتاه‌مدت، میل نهایی به مصرف و میل متوسط به مصرف با هم مساوی نیستند و در واقع میل نهایی به مصرف از میل متوسط به مصرف کمتر است. این بدان معنی است که با افزایش درآمد، هر دو نسبت کاهش می‌یابد ولی میل نهایی به مصرف از میل متوسط به مصرف کوچکتر است. در مقابل، میل نهایی به پس‌انداز و میل متوسط به پس‌انداز افزایش می‌یابند. از طرف دیگر، براساس مطالعات سیمون کوزنتز (در سال ۱۹۴۶) و ریموند گلد اسمیت (در سال ۱۹۵۵) این نتیجه به دست آمده است که میل متوسط به مصرف و میل متوسط به پس‌انداز در اقتصادهای غربی از سال ۱۷۸۰ میلادی به بعد ثابت مانده است. واضح است که نتایج "مطالعات بودجه" با این مطالعات مغایرت دارد. اقتصاددانان در دوره بعد از کینز کوشیده‌اند که این مغایرت را از بین ببرند. کوشش اقتصاددانان بعد از کینز، مبنی بر آن بوده است که زمینه تحلیلی تابع مصرف در بلندمدت را بررسی کنند. جیمز دوزنبری در سال ۱۹۴۴ براساس فرضیه جدیدی به نام "فرضیه درآمد نسبی" توانست تابع مزبور را از نظر هندسی بررسی کند. سپس میلتون فریدمن در سال

تابع مصرف یکی از مهمترین کمک‌های علمی کینز به علم اقتصاد است. این تابع دارای چهار خصیصه یا فرضیه به شرح زیر است:

- ۱- مصرف تابعی با ثبات از درآمد واقعی قابل تصرف است.
- ۲- میل نهایی به مصرف در کوتاه‌مدت، کمتر از میل نهایی به مصرف در درازمدت است.
- ۳- در درازمدت، افزایش معین در درآمد باعث افزایش به نسبت کمتری در مصرف می‌شود. بنابراین میل نهایی به مصرف کمتر از میل متوسط به مصرف خواهد بود.
- ۴- تغییرات موجودی ثروت خانوارها، سطح مصرف آنها را مستقیماً تحت تأثیر قرار می‌دهد.

با در نظر گرفتن این فرضیات، دو سوال مهم پیش می‌آید: نخست، آیا درآمد در تابع مصرف، درآمد گذشته است، یا درآمد جاری، یا درآمد پیش‌بینی شده (آینده) و یا ترکیبی از این درآمدهاست؟ و سؤال دوم آن است که آیا با افزایش درآمد، مصرف نیز به همان نسبت بالا می‌رود؟ به عبارت دیگر آیا در کوتاه‌مدت میل متوسط به مصرف با میل نهایی به مصرف مساوی می‌شود؟

کارا و محصولات باکیفیت، تبلیغات و بازاریابی و غیره بستگی دارد. سطح نرخ ارز نیز برای بنگاه‌های صادرکننده بسیار مهم است. واردات کالا و خدمات، مستقیماً در تقاضای کل تأثیر ندارد، اما به طور غیرمستقیم و با کاهش تقاضا، آنرا تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر واردات در سطح وسیعی به بازار داخلی رسوخ نماید، در این صورت تولیدکننده داخلی سهم کمتری در بازار داخلی خواهد داشت.

جامعه و اقتصاد اسلامی

تعریف جامعه اسلامی: جامعه اسلامی جامعه‌ای است که غالب افراد آن به مبانی بینشی و ارزشی اسلام اعتقاد دارند؛ حقوق اسلامی (احکام الزامی که دارای ضمانت اجرای دولتی است) در آن اجرا می‌شود؛ غالب افراد از جهت رفتاری، عقلایی عمل می‌کنند. رفتار عقلایی، رفتاری سازگار در جهت هدف است و برای مسلمان که هدفش دستیابی به حداکثر سرجمع لذت‌های دنیایی و آخرتی (سعادت دنیا و آخرت) است، رفتار سازگار، رفتاری است که مطابق دستورهای شریعت باشد. بر این اساس، افزون بر حقوق اسلامی، آن دسته از احکامی که تحت عنوان اخلاق اسلامی دسته‌بندی می‌شوند (احکام الزامی که دارای ضمانت اجرای دولتی نیستند و احکام غیر الزامی) به‌وسیله اکثر افراد در این جامعه رعایت می‌شود.

اقتصاد اسلامی بر خلاف اقتصاد

غربی، بر قناعت و پرهیز از مصرف‌گرایی تأکید دارد

تعریف اقتصاد اسلامی: اقتصاد اسلامی عبارت است از مجموعه قواعد کلی ارائه شده در دین مبین اسلام در زمینه روش تنظیم حیات اقتصادی و حل مشکلات اقتصادی، در راستای تأمین عدالت اجتماعی. اقتصاد اسلامی بر خلاف اقتصاد غربی، بر قناعت و پرهیز از مصرف‌گرایی تأکید دارد. دین مبین اسلام، مسأله‌ی اقتصاد را به عنوان جزئی از مجموعه قوانین خود- در جهت پاسخگویی به پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی انسان- مورد توجه قرار داده و حل مشکلات اقتصادی را در اصلاح مبانی عقیدتی و اخلاقی مردم می‌داند. اسلام، اقتصاد را در جهت اهداف عالی‌ی بشر دانسته و بر این اساس، نگرش سوسیالیستی و یا سرمایه‌داری که اقتصاد را مبنا قرار می‌دهند، رد می‌کند.

دستورات مصرف در اسلام

مفهوم مصرف و الگوی مصرف در دین مبین اسلام بکلی با الگوی غربی آن که "تولید برای مصرف بیشتر" و "مصرف بیشتر برای تولید بیشتر" را تبلیغ می‌کند؛ متفاوت است. الگوی مصرف در اسلام در

۱۹۵۷ با "فرضیه درآمد دائمی" و با روش دیگری به اثبات نظریه خود پرداخت و بالاخره فرانکو مودیگلیانی اقتصاددان ایتالیایی تبار آمریکایی در سال‌های ۱۹۵۴ و ۱۹۶۳ میلادی با نظریه مصرف خود شیوه جدیدی برای بررسی تابع مصرف در بلندمدت ارائه می‌دهد. در هر حال نظریه مصرف "درآمد مطلق" کینز و نظریه مصرف "درآمد دائمی" فریدمن دو مورد از نظریه‌های مهم مصرف می‌باشند. پس از جنگ جهانی دوم، با آنکه ایرادهای وارد شده به نظریه کینز، راه را برای تحقیقات اقتصادی بیشتر و پیشرفته تر گشود؛ ولی نتیجه کار دسته بندی عقاید اقتصادی در دو گروه اصلی بود. دسته اول کینزین ها هستند که معتقدند اقتصاد می‌تواند از طریق اعمال سیاست‌های سمت تقاضا به بهترین نحو مدیریت گردد. در حالیکه گروه دیگر (لیبرال های اقتصادی) با مدیریت اقتصاد با اعمال سیاست‌های سمت عرضه موافق هستند. سنت‌گرایان معتقدند که دولت‌ها باید به‌منظور رسیدن به اهداف خود، در امور اقتصادی دخالت نمایند و این کار به وسیله مدیریت تقاضای کل از طریق اعمال سیاست‌های پولی و مالی صورت می‌گیرد. از نظر این گروه، دخالت دولت به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل، تورم پایین، تثبیت تراز پرداخت‌ها و رشد اقتصادی حیاتی می‌باشد. گروه مخالف معتقدند اقتصاد آزاد، اهداف اقتصاد کلان را به بهترین نحو برآورده می‌سازد. به‌عبارت دیگر اصل عرضه و تقاضای کل، برای بازار این امکان را فراهم می‌نماید که با اثربخشی بسیار بالا کار کند و دولت از این طریق می‌تواند به اهداف کلان اقتصادی خود دست یابد. تقاضای کل شامل چهار رکن اصلی شامل مصرف، مخارج سرمایه‌ای، مخارج دولت و خالص مخارج صرف شده به‌منظور صادرات و واردات می‌باشد. اقتصاددانان اعتقاد دارند تقاضای کل زمانی افزایش خواهد داشت که اولاً در بازار داخلی به‌جای کالاهای وارداتی، به‌دلیل جذاب‌تر بودن قیمت‌های داخلی، کالاهای داخلی مورد مبادله قرار گیرد، ثانیاً، قیمت‌های داخلی کاهش پیدا نموده و مصرف‌کنندگان داخلی که دارای پس‌اندازهای بانکی و سرمایه‌گذاری در بازارهای سرمایه می‌باشند، پس‌اندازهای خود را به‌منظور خرید میزان افزایش یافته کالاها و خدمات مصرف نمایند و نهایتاً زمانی که قیمت‌ها کاهش پیدا کنند و مصرف‌کنندگان با اعتقاد به اینکه در آینده قیمت‌ها افزایش پیدا خواهند کرد- بنابراین خرید با قیمت‌های پایین جاری به نفع خواهد بود- اقدام به خرید می‌نمایند.

به طور خلاصه مصرف، یکی از اجزای بسیار مهم تقاضای کل است و معادل مبلغی است که به‌وسیله افراد بابت کالاهای مصرفی صرف می‌گردد. درآمد قابل مصرف، عامل اصلی تعیین مصرف است. در یک اقتصاد، افزایش سطح درآمد معمولاً منجر به افزایش مصرف می‌شود. در مخارج سرمایه‌ای از قبیل سرمایه‌گذاری عمومی، خصوصی و سرمایه‌گذاری در مسکن و... نرخ سود بانکی و انتظارات سرمایه‌گذاران از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده به‌شمار می‌روند. مخارج دولت عمدتاً شامل مخارج جاری دولت در کالاها و خدمات بخش خصوصی و مخارج اشتغال در خدمات دولت مرکزی است. عوامل موثر بر خالص مخارج برای صادرات و واردات را نمی‌توان به‌سادگی بررسی نمود. صادرات قوی، به مواردی مانند دسترسی به ذخایر طبیعی، بازار کار، سیستم حمل و نقل و امکان تحویل به‌موقع، صنایع

شایسته "نعمت الهی و" خارج شدن از اعتدال" می باشد. در قرآن کریم نیز به صراحت تأکید شده است که "بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید" و "همانا مسرفان اهل آتش می باشند". از نظر اسلام اتلاف مال، مصرف نامناسب و زیاده‌روی در مصرف از مهم‌ترین مصادیق اسراف می‌باشند. لزوم پرهیز از اسراف به این دلیل در زمره دستورات سلبی قرار گرفته است که منابع با ارزش جامعه اسلامی را از بین می‌برد و زمینه‌های فساد چشمگیر و فقر را فراهم می‌آورد.

ج) تبذیر: تبذیر به معنی پراکنده ساختن (اتلاف) مال، بدون جهت، است و در اسلام به شدت مورد نهی قرار گرفته است. برخی از صاحب‌نظران، تبذیر را معادل اسراف و برخی دیگر آن را اسراف خاص می‌گویند؛ به این معنی که عملی همراه با اتلاف مال (منابع) باشد، بدون اینکه هیچ‌گونه غرض عقلایی بر آن مترتب گردد. نکته ظریف در مورد تبذیر آن است که مرز بسیار باریکی با فعالیت‌های مجاز و مشروع دارد. یعنی اگر فردی در فعالیت/مصرفی که در ظاهر منعی ندارد، زیاده‌روی کند؛ به گونه‌ای که به اتلاف مال (منابع) بینجامد، عملاً مرتکب تبذیر شده است.

اسراف و تبذیر در مصرف به عنوان معضلی جهانی

بر طبق نظریه تخصیص منابع در اقتصاد آزاد، قیمت در محل تقاطع خطوط توابع عرضه و تقاضا تعیین می‌گردد. یعنی اگر عرضه کالایی محدود باشد و تقاضا برای آن افزایش یابد؛ به فرض عدم مداخله دولت، خط تقاضا به نقطه بالاتری انتقال می‌یابد. با توجه به عدم انتقال (یا انتقال جزئی) تابع عرضه، ناگزیر قیمت در نقطه بالاتر و در نقطه تقاطع جدید تعیین می‌گردد که به معنی افزایش قیمت آن کالا است. در این وضعیت، چنانچه متقاضیان کالای فرضی همچنان بر خرید کالا اصرار ورزند، بدون تردید قیمت کالا باز هم بالاتر خواهد رفت، تا آنجا که فقط افرادی که از قدرت خرید کافی برخوردارند؛ توان تهیه آن کالا را خواهند داشت. عکس این مطلب هم صادق است، به این معنی که اگر در قیمت جدید تعداد خریداران (تقاضا) کاهش یابد؛ در اینصورت متناسب با بازگشت تابع عرضه، قیمت نیز کاهش خواهد یافت.

کاملاً روشن است که در نظام اقتصادی که تخصیص منابع با حداقل دخالت دولت صورت می‌پذیرد؛ قیمت تنها متغیری است که توان تغییر در عرضه و نیز تقاضا را- که به معنی کاهش یا افزایش مصرف است- داراست. انتظار کلی بر این است که در چنین نظام اقتصادی، ناکارایی و اتلاف منابع کاهش یابد. ولی به دلیل ماهیت نظام سرمایه‌داری- که در آن شکاف طبقاتی اجتناب‌ناپذیر است- مصادیق اسراف و تبذیر در اقتصادهای بزرگی (همچون آمریکا) به‌رغم حاکمیت تمام و کمال نظریه تخصیص منابع و نظام قیمت‌ها، در کلان‌ترین شکل آن مشاهده می‌شود. در نظام‌های سوسیالیستی نیز که دولت نقش تخصیص‌دهنده اصلی را ایفا می‌کند؛ مشکل دیگری ظهور می‌کند و آن ناکارآمدی تولید (به دلیل نفی مالکیت خصوصی) و اتلاف مستقیم منابع در ابعاد صنعتی و نیز اتلاف (غیرمستقیم) منابع انسانی است که به گونه‌ای دیگر از مصادیق اسراف و تبذیر محسوب می‌شود. نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که در جوامع صنعتی (به شیوه غربی) نیز الگوی مصرف، پدیده‌ای عمدتاً اخلاقی است و

عین حال که بر ارضای نیازهای اولیه ضروری تأکید دارد؛ به ضرورت تشکیل سرمایه در ابعاد کلان برای سرمایه‌گذاری و تولید بیشتر- که در خدمت افزایش ثروت جامعه و زدودن فقر قرار می‌گیرد- نیز بهای زیادی می‌دهد. اسلام با آگاهی کامل از اهمیت مصرف در اقتصاد و نقش تعیین‌کننده انگیزه‌های مثبت (آموزه‌های دینی و اخلاقی) در جهت دادن به آن، مجموعه دستورات اثباتی و سلبی را برای تنظیم صحیح آن به کار می‌گیرد.

دستورات اثباتی اسلام: دستورات اثباتی مجموعه دستوراتی هستند که به شکل وجوب و یا استحباب، برخی مصارف را به شرح زیر لازم و یا راجح می‌گردانند.

الف) مصارف لازم: مصارف لازم در اسلام مصارفی هستند که برای ادامه حیات انسان و حفظ نفس از ابتلاء به امراض و ناراحتی‌های جسمی و روحی برای افراد "واجب" فرض شده است. از نظر اسلام، در صورتیکه افراد از راه کار و فعالیت شخصی نتوانند مصارف لازم خویش را تأمین کنند؛ در اینصورت افراد دیگر موظف به تأمین این نیازها هستند و در صورت کوتاهی و یا عدم توانایی آنها، این مهم از وظایف دولت اسلامی بر شمرده شده است. مصارف افراد تحت تکفل و سایر افراد نیازمند نیز در دسته مصارف لازم قرار می‌گیرند.

ب) مصارف راجح: مصارف راجح، کلیه مصارف (متفاوت از مصارف لازم) می‌باشند که در جهت افزایش کیفیت زندگی و به

لزوم پرهیز از اسراف به این دلیل در زمره دستورات سلبی قرار گرفته است که منابع با ارزش جامعه اسلامی را از بین می‌برد و زمینه‌های فساد چشمگیر و فقر را فراهم می‌آورد

عنوان مصادیق بهره‌مندی از نعمت‌های الهی، به شرط عدم اسراف و تبذیر، انجام می‌شوند. از احادیث و روایات فراوانی که در زمینه مصرف صحیح وجود دارند؛ چنین استنباط می‌شود که اسلام بر آشکار کردن نعمات و نشان دادن الطاف خداوند به افراد تأکید دارد و روحیات متظاهر به فقر و درماندگی را نکوهش می‌کند. تنگ نظری‌های صوفیانه در مصرف کالاها و خدمات از نظر اسلام قابل قبول نیست و بسیاری از بزرگان دین در مقام مقابله با برداشت‌های نادرست از مفهوم ایمان و پارسایی، بر مفهوم مصرف صحیح (و لزوم رعایت آن) تأکید فرموده‌اند.

دستورات سلبی: مجموعه‌ای از فرمان‌ها و ارشادها هستند که انسان را از برخی مصارف و یا اشکالی از آنها (به عنوان حرام یا مکروه) منع می‌کند. مصادیق دستورات سلبی عبارتند از:

الف) مصارف حرام: مصارف حرام، طیف وسیعی از مصارف هستند که مصادیق آنها در شرع مقدس اسلام به صراحت بیان شده است.

ب) اسراف: اسراف در لغت به معنی "تجاوز از حد" است و در ادبیات مصرف اقتصاد اسلامی به مفهوم "زیاده‌روی در استعمال

به طور مشخص، در اقتصاد ایران یارانه‌های قابل توجهی به اقلامی همچون انرژی (سوخت وسایل نقلیه، برق و گاز)، بخش آب و مواد غذایی (گندم) تعلق می‌گیرد که عدم رعایت الگوی مصرف در این زمینه‌ها، خسارات سنگینی را نصیب اقتصاد کشور و نسل‌های آینده می‌کند. بویژه در بخش انرژی آمارها نگران‌کننده و حاکی از عدم امکان تداوم وضعیت مصرف فعلی است. به عنوان مثال، متوسط یارانه پرداختی دولت در بخش انرژی (مستقیم و غیرمستقیم) معادل یکصد میلیارد دلار اعلام گردیده است که رقم بسیار هنگفتی بوده و تقریباً معادل ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی (محاسبه شده بر اساس برابری قدرت خرید) می‌باشد. مطابق آمارهای موجود، میزان مصرف سوخت در کشور در هر ۱۰ سال حدود ۲ برابر می‌شود. در حالیکه این نرخ رشد در مقیاس جهانی یک تا دو درصد است و میزان سوخت مصرفی جهان تقریباً هر ۵۰ سال، ۲ برابر می‌شود. این بدین معناست که ایران در مقایسه با میانگین جهانی ۴ تا ۵ برابر بیشتر سوخت مصرف می‌کند. همچنین، مصرف سرانه انرژی در ایران بیش از ۵ برابر مصرف سرانه اندونزی، ۲ برابر چین و ۴ برابر کشور هند است.

در بخش الکتریسته (برق)، ایران در رتبه ۱۹ کشورهای پرمصرف برق در دنیا است. متوسط مصرف جهانی برق برای مشترکان خانگی، ۹۰۰ کیلووات ساعت در سال است، در حالی که مشترکان ایرانی در بخش خانگی سالانه ۲۹۰۰ کیلو وات ساعت برق مصرف می‌کنند که این رقم بیش از ۳ برابر میانگین جهانی است. این در حالی است که

ادامه روند روبه رشد مصرف گاز طبیعی در کشور در سال‌های آینده ایران را که بعنوان یکی از بزرگترین دارندگان ذخائر گاز جهان است به یک مصرف‌کننده بزرگ تبدیل می‌کند

یارانه‌ای که دولت سالانه برای مشترکین برق در نظر می‌گیرد؛ تقریباً معادل چهل هزار میلیارد ریال است.

در بخش گاز طبیعی، ایران جایگاه سوم را در مصرف گاز طبیعی پس از کشورهای آمریکا و روسیه دارد. میزان مصرف گاز طبیعی در ایران از ۶۸ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۱ با متوسط رشد سالانه ۱۰/۳ درصد به ۱۲۳ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۸ رسیده است و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۱۲ میلادی میزان مصرف به ۲۷۷ میلیارد متر مکعب برسد.

روشن است که با ادامه روند رو به رشد مصرف گاز طبیعی در سال‌های آینده، ایران به یک مصرف‌کننده بزرگ گاز طبیعی در جهان بدل خواهد شد. این در حالی است که دولت در سال گذشته ۱۳۴ هزار میلیارد ریال یارانه گاز به مشترکان بخش خانگی اختصاص داده است.

در خصوص گاز طبیعی، باید این مطلب را هم اضافه نمود که راندمان نیروگاه‌های گازی کشور در سال ۱۳۸۷ کمتر از ۳۰ درصد بوده است. علاوه بر اینکه روزانه ۴۳ میلیون متر مکعب گاز در زمان استخراج نفت در کشور سوزانده می‌شود که این رقم بیش

تا زمانی که نظام اقتصادی از عنصر اخلاق تهی باشد، معضل الگوی مصرف (و بحران‌های ناشی از عدم رعایت آن) نیز به قوت خود باقی خواهد ماند.

رابطه الگوی مصرف با تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی یکی از معیارهایی است که اقتصاد کشورهای مختلف با آن سنجیده (و مقایسه) می‌شود. از لحاظ مفهومی، تولید ناخالص داخلی ارزش کل کالاها و خدمات نهایی تولید شده در کشور در یک بازه زمانی معین است که با واحد پول جاری آن کشور اندازه‌گیری می‌شود. در این تعریف منظور از کالاها و خدمات نهایی، کالاها و خدماتی است که در انتهای زنجیره تولید قرار گرفته‌اند و خود آنها برای تولید و خدمات دیگر خریداری نمی‌شوند.

روش‌های مختلفی برای محاسبه تولید ناخالص ملی وجود دارد. محاسبه مجموع ارزش افزوده، محاسبه با نگرش مصرف و محاسبه با نگرش درآمد، سه روش متداول انجام این کار هستند. محاسبه با نگرش مصرف، طبق معادله زیر انجام می‌شود:

$$\text{تولید ناخالص داخلی} = \text{مصرف خصوصی} + \text{سرمایه‌گذاری} + \text{مخارج دولتی} + (\text{صادرات} - \text{واردات})$$

معادله فوق نشان می‌دهد که در صورت ثبات سایر عوامل، افزایش مصرف (از محل تولیدات داخلی) به افزایش تولید ناخالص داخلی منجر می‌شود. ولی واقعیت این است که سایر عوامل ثابت نیستند و تغییرات در آن‌ها به میزان زیادی در نرخ رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، افزایش در مصرف انرژی خانوار (بویژه سوخت و برق) یک عامل کاهنده نرخ رشد اقتصادی است. به این دلیل که سهم بالای مصرف انرژی توسط خانوار، مستقیماً از سهم انرژی بخش صنعت می‌کاهد و نتیجه کار کاهش تولیدات صنعتی و وابستگی به واردات (کالا یا انرژی) است. ضمن اینکه در صورت کاهش مصرف، امکان صادرات و رونق تجارت خارجی (با تراز مثبت) فراهم می‌آید که نتیجه آن ورود ارز به کشور و تشکیل سرمایه (ارزی) برای تحقق سرمایه‌گذاری‌های تولیدی و صنعتی بیشتر است. روشن است که رعایت الگوی مصرف فقط به خانوار محدود نمی‌شود و دولت به عنوان تعیین‌کننده الگو، مسئولیت بیشتری در این زمینه دارد.

مصادیق اسراف و تبذیر در اقتصاد ایران

پیشتر بیان گردید که نظام تخصیص منابع در اقتصاد آزاد مبتنی بر قیمت است و در بسیاری از کشورها، از عامل قیمت به عنوان ابزاری برای تعیین الگوی مصرف استفاده می‌شود. همچنین بیان گردید که به رغم کارایی این نظام در برخی موارد از قدرت کافی برای پیشگیری از اسراف و تبذیرها برخوردار نیست. وقتی در کنار این عامل، نظام حمایتی دولت را- که یارانه‌هایی را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در بخش‌هایی خاص پرداخت می‌کند- در نظر می‌گیریم؛ آنگاه میزان آسیب‌پذیری اقتصاد حمایتی و مسولیت سنگین فرهنگ اقتصادی و ملی در تدوین و رعایت الگوی مصرف مناسب مشخص می‌شود.

از کل مصرف روزانه کشور ترکیه با ۳۴ میلیون مترمکعب است.

تشکیل می‌دهد. برخی از کارشناسان بر این باورند که به‌طور متوسط ۹۲ درصد آب مصرفی کشور در بخش کشاورزی، به دلیل استفاده از روش غرق آبی (به جای سیستم‌های کارآمد آبیاری تحت فشار یا قطره‌ای) هدر می‌رود.

لزوم اصلاح الگوی مصرف به منظور دستیابی به توسعه اقتصادی

همچنین، بالاترین نرخ مصرف نان در جهان متعلق به ایران است. بر اساس آمارهای منتشره، مصرف سالانه گندم کشور حدود ۱۱ میلیون تن در سال است که حدود سه میلیون تن آن (۳۰٪) به ضایعات نان تبدیل می‌شود. آمارهای منتشره توسط سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) همچنین نشان می‌دهد که بالاترین نرخ مصرف نان در جهان متعلق به ایران است. سرانه مصرف نان در ایران حدود ۱۶۰ کیلوگرم است که در مقایسه با کشورهای اروپایی مانند فرانسه (۵۶ کیلوگرم در سال) و آلمان (۷۰ کیلوگرم در سال) بسیار بالا است. روشن است که عدم بهره‌برداری صحیح از این منبع غذایی غنی (که در فرهنگ دینی و ملی هم از جایگاه مقدسی برخوردار است) و پخت نامناسب نان از مهم‌ترین دلایل اضافه مصرف است.

پس از گندم - که ایران بزرگترین واردکننده آن در جهان شناخته می‌شود - باید به مصرف سرانه قند و شکر اشاره نمود که بر اساس آمارهای جهانی، در سال ۱۹۸۷ حدود ۲۶/۹ کیلوگرم بوده که این مقدار در سال ۲۰۰۶ به ۲۸/۹۷ و در سال ۲۰۰۷ به حدود ۳۳/۲۶ کیلوگرم افزایش یافته است. در مورد این کالا نیز، مصرف سرانه شکر در ایران ۳ کیلوگرم بالاتر از میانگین مصرف جهانی است. ایران بعد از روسیه، دومین واردکننده بزرگ شکر در جهان محسوب می‌شود و کشورهای اندونزی، آمریکا و امارات در رده‌های بعدی قرار دارند.

در بخش مواد غذایی، پس از گندم و قند و شکر باید به روغن نیز اشاره نمود که مصرف سرانه آن در کشور، حدود ۱۷ کیلوگرم است. مقایسه مصرف سرانه روغن در ایران با سایر کشورها نیز نشان می‌دهد که مصرف سرانه کشور ما بسیار بالاتر از میانگین جهانی (۱۲/۵ کیلوگرم) است. در گذشته تا ۹۵ درصد روغن مورد نیاز از خارج از کشور وارد می‌گردید. در سال ۲۰۰۵ ایران رتبه دهم را در میان واردکنندگان روغن در جهان به خود اختصاص داد. رقم واردات در حال حاضر به ۸۰ درصد کاهش یافته است. با این وجود واردات سالانه این محصول به خروج حدود ۱/۵ میلیارد دلار ارز (برای واردات روغن و کنجاله) منجر می‌شود که در صورت مصرف صحیح درصدی از این رقم در خدمت رشد و توسعه اقتصادی قرار می‌گرفت.

راهکارهای اجرایی اصلاح الگوی مصرف

همانطور که بیان گردید، اصلاح الگوی مصرف که به معنی نهادینه کردن روش صحیح استفاده از منابع کشور است؛ سبب ارتقای شاخص‌های زندگی و کاهش هزینه‌ها شده و زمینه‌های رشد و پیشرفت و گسترش عدالت را فراهم می‌آورد. از طرفی الزام مصرف بهینه باعث می‌شود تا علاوه بر پیشرفت‌های علمی ناشی از ارتقای فن‌آوری در طراحی و ساخت وسایل و تجهیزات و بهینه‌سازی مطابق با استانداردهای جهانی، فرصت توزیع مناسب منابع و به تبع آن پیشرفت در دیگر بخش‌هایی که کمتر مورد توجه بوده است نیز فراهم گردد. از این رو ارتباط منطقی بین نامگذاری سال اول دهه

کشور ایران داری منابع انرژی غنی و گسترده می‌باشد. وجود مخازن عظیم نفت و گاز موجب گردیده است که ایران از موقعیت مناسب و ممتازی نسبت به بسیاری از کشورهای دیگر برخوردار باشد. این منابع عظیم در صورتی می‌توانند به عنوان عوامل مهم توسعه اقتصادی نقش ایفا نمایند که استفاده بهینه و مناسب از آنها به عمل آید. در صورت عدم استفاده بهینه، این امکان وجود دارد که بخش انرژی به عنوان یک بخش نامتعادل و ناسازگار با سایر بخش‌های اقتصادی درآید و موجب رشد سرطانی برخی بخش‌ها گردیده و نهایتاً باعث عدم تعادل اقتصادی گردد. آگاهی از تناسب یا عدم تناسب بین افزایش مصرف انرژی و تولیدات کل، از اهمیت خاصی برخوردار است؛ به این دلیل که عدم تناسب بین تولید و مصرف انرژی خود می‌تواند بیانگر اتلاف انرژی و عدم کارایی مصرف انرژی به عنوان عامل تولید باشد.

تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که بین افزایش مصرف انرژی و رشد اقتصادی رابطه مستقیمی وجود دارد. در برخی کشورهای

عدم رعایت الگوی مصرف فقط به مبحث انرژی ختم نمی‌شود. در بخش آب، ایرانیان ۷۰ درصد بیش از الگوی جهانی آب مصرف می‌کنند

توسعه‌یافته نظیر آمریکا، انگلستان و ژاپن، متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ به ترتیب برابر ۳/۴، ۳/۱ و ۴/۱ درصد بوده؛ در حالیکه رشد انرژی در این سالها برابر ۱/۵، ۱/۸، و ۵/۰ درصد بوده است. این در حالی است که علیرغم اینکه متوسط نرخ رشد اقتصادی ایران در این دهه (عمدتاً به دلیل جنگ تحمیلی) کمتر از یک درصد بوده، رشد مصرف انرژی بیشتر از ۶ درصد می‌باشد.

عدم رعایت الگوی مصرف فقط به مبحث انرژی ختم نمی‌شود. در بخش آب، ایرانیان ۷۰ درصد بیش از الگوی جهانی آب مصرف می‌کنند. این اضافه مصرف در حالی اتفاق می‌افتد که منابع آبی کشور برخلاف بسیاری از کشورها بسیار محدود است. به ویژه در اثر خشکسالی، ذخیره بسیاری از سفره‌های زیرزمینی کاهش یافته است. علیرغم برخورداری کشور ایران از مزیت نسبی در بخش کشاورزی و دارا بودن قابلیت کشت، برداشت و صادرات هزاران تن محصول، به دلیل عدم مدیریت بهینه منابع آبی و استفاده از روش‌های سنتی کشت، بخش کشاورزی همچنان کوچکترین بخش اقتصاد کشور را

نتیجه گیری:

الگوی مصرف در اقتصاد اسلامی با الگوی مصرف در کشورهای غربی یکسان نیست. بلکه به لحاظ مبانی نظری و ارزشی به مراتب برتر از الگوی غربی است. به این دلیل که فلسفه "تولید بیشتر برای مصرف بیشتر" و "مصرف بیشتر برای تولید بیشتر" را که خلاصه نظریه‌های مصرفی غالب در مکاتب اقتصادی دنیای سرمایه‌داری است؛ به کلی نفی و طرد می‌کند. روشن است که اگر تمام کشورها در صدد اجرای چنین الگوی مصرفی برآیند، محدودیت در منابع و قدرت خرید افراد اجازه چنین اقداماتی را نخواهند داد. حتی اگر برخی دولت‌ها بکوشند تا با تزریق نقدینگی، اعطای وام‌های مصرفی و ایجاد قدرت خرید مصنوعی به طور موقت چرخه باطل مصرف و مصرف‌گرایی را تحرک بخشند؛ یقیناً این اقدامات مقطعی بوده و پس از فروکش کردن حباب‌های اولیه، بحران اعتبارات هم به بحران‌های اقتصادی پیشین افزوده می‌گردد (نظیر بحران مالی و اقتصادی فعلی).

همچنین در ابعاد کلان اقتصادی غیرممکن است که کلیه کشورها بتوانند هم‌زمان به تراز مثبت تجاری دست یابند؛ امری که به عنوان اصل مسلم و بدیهی در تجارت آزاد و ادبیات اقتصاد سرمایه‌داری پیوسته مورد تشویق و ترغیب قرار می‌گیرد. آنچه از دیدگاه اسلام و اقتصاد اسلامی اهمیت دارد؛ لزوم رعایت حدود و اعتدال به منظور ارضای نیازهای ضروری و راجح (پیش گفته) است. مازاد مابه‌التفاوت درآمد و مصرف اشخاص، مؤسسات و ادارات دولتی به صورت پس‌انداز یا جوجه‌قابل سرمایه‌گذاری در خدمت تشکیل سرمایه، سرمایه‌گذاری و تولید (یا افزایش تولید) در اقتصاد جامعه اسلامی قرار می‌گیرد و با افزایش تولید

پیشرفت و عدالت به "اصلاح الگوی مصرف" از سوی مقام معظم رهبری بیشتر نمایان می‌شود.

اصلاح الگوی مصرف نیازمند فرهنگ‌سازی پایدار است و این مهم خود نیازمند راهکارهایی است تا همه افراد جامعه، الزام به رفتارهای مصرفی صحیح را احساس نمایند. به این ترتیب، به تدریج این رفتارهای اصلاح شده، نهادینه شده و به یک رفتار پایدار و نهایتاً به یک فرهنگ در تمامی عرصه‌های مصرف تبدیل شود.

اصلاح الگوی مصرف در دو سطح "تولید کالا" و "مصرف کالا" قابل بررسی است. در سطح تولید کالا که از مرحله تبدیل مواد خام تا تولید و توزیع را شامل می‌شود؛ نیاز است که سازندگان و تولیدکنندگان بخش‌های دولتی و خصوصی، علاوه بر رعایت ضوابط مربوط به فن‌آوری (و زیست محیطی) تولید کالاهای خود را نیز با استانداردهای جهانی (و حتی الامکان مناسب با اقلیم هر منطقه) منطبق نمایند.

در سطح "مصرف کالا" نیز باید فرهنگ‌سازی لازم برای مصرف بهینه آب، برق و گاز و دیگر اقلامی که تهیه آنها برای مصرف‌کننده سهل‌الوصول‌تر است؛ انجام پذیرد. آموزش از طریق مدارس، رسانه‌ها، تولیدکنندگان، وزارت نیرو و شرکت گاز باید به طریق مؤثرتری انجام شود. همچنین، شایسته است در فعالیت‌های تبلیغی و تشویقی، تعالیم و آموزه‌های دینی که بر صرفه‌جویی تاکید دارند؛ مورد توجه بیشتری قرار گیرند. مردم ایران به علت پیوند با دین و مظاهر مقدس دینی، سنت‌های نهادینه شده را به خوبی می‌پذیرند و بر آن ارجح می‌نهند.

از آنجا که جهت تغییر الگوی مصرف، شناخت عمیق نیازهای مردمی (و نیز دولت) ضروری است؛ باید مصرف سیرانه دهک‌ها با سطح دستمزدها و استانداردهای مصرف جهانی دقیقاً مقایسه شود و پس از تعیین الگوی مصرف، میزان یارانه لازم برای هر یک از کالاها مشخص شده و قیمت یارانه‌ای و غیریارانه‌ای آن نیز تعیین گردد. نتیجه نهایی این که اصلاح الگوی مصرف مستلزم هدفمندسازی یارانه‌هاست که هم‌اکنون به همت دولت محترم ج.ا.ا در دست مطالعه و بررسی می‌باشد. روشن است که در تمامی این موارد، وضع قوانین و مقررات لازم و نظارت بر حسن اجرای آنها از سوی نهادهای ناظر، شرط ضروری برای موفقیت طرح می‌باشد.

اصلاح الگوی مصرف نیازمند فرهنگ‌سازی پایدار است و این مهم خود نیازمند راهکارهایی است تا همه افراد جامعه، الزام به رفتارهای مصرفی صحیح را احساس نمایند

(و صادرات تولیدات مازاد) امکانات لازم جهت رشد و توسعه اقتصادی بیشتر و امحاء فقر، تورم و فساد در جامعه فراهم می‌شود.

منابع و مأخذ

- ۱- پژوهشکده حوزه و دانشگاه، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، دانشگاه تهران، نشر سمت، ۱۳۸۳.
- ۲- اخوی، احمد، اقتصاد کلان کاربردی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۱.
- ۳- گرجی، ابراهیم، اقتصاد کلان: تئوری‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۹.
- ۴- برانسون، ویلیام اچ، تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان، ترجمه عباس شاکری، جلد ۲، نشر نی، ۱۳۷۳.
- ۵- تفضلی، فریدون، اقتصاد کلان نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ترجمه عباس شاکری، جلد ۲، نشر نی، ۱۳۷۳.
- ۶- تقوی، مهدی، اقتصاد کلان (نظریه و سیاست)، انتشارات آژنگ، ۱۳۸۱.
- ۷- قدری اصلی، باقر، سیر اندیشه اقتصادی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- ۸- وزارت نیرو. (۱۳۸۵). "آمار و نمودارهای انرژی ایران و جهان ۱۳۸۵"، دفتر برنامه ریزی کلان برق و انرژی وزارت نیرو جمهوری اسلامی ایران.
- ۹- عشقی ملابری، بهروز. (۱۳۸۴). "مجموعه مقالات دومین کنفرانس روش‌های پیشگیری از اتلاف منابع ملی"، تهران: فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، صص ۶۱۳-۶۱۸.
- ۱۰- سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت کشور. (۱۳۸۲). "اطلاعات انرژی کشور ۱۳۸۰"، ایران، تهران: واحد تولید نشر ذره.
- ۱۱- محمندی اودهالی، مرتضی. (۱۳۸۲). "مفاهیم بهینه‌سازی مصرف انرژی"، مجله اقتصاد انرژی، شماره آبان ۱۳۸۱، ایران.
- ۱۲- مقدم، محمدرضا. (۱۳۸۳). "اصلاح سبد انرژی ایران تا سال ۱۴۰۰"، ایران، تهران: انتشارات نگاه شرقی سبز.
- ۱۳- مرکز ملی آموزش مدیریت انرژی (NTCEM)، (۱۳۸۷). "معرفی مرکز ملی آموزش مدیریت انرژی در صنعت کشور"، معاونت امور برق و انرژی وزارت نیرو جمهوری اسلامی ایران.